



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (۳۱) قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَن فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۲) وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۳) إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۳۴) وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۵)﴾

قیامت صحنه بروز بیزاری کافران از یکدیگر

برخی از مطالبی که مربوط به مباحث گذشته است این است که در آیه ۲۵ این سوره فرمود در صحنه قیامت عده‌ای عده دیگر را از همین کفار لعن می‌کنند ﴿يَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾ چه اینکه ﴿يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ﴾ متبوع‌ها از تابعین و بالعکس تبرّی می‌کنند بت‌پرست‌ها از بت‌ها و همچنین بت‌ها از بت‌پرست‌ها تبرّی دارند و و بت‌پرست‌ها هم یکدیگر را لعن می‌کنند در سوره مبارکه «بقره» آیه ۱۶۶ به این صورت است: ﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾ که هم مسئله بت‌پرستی بطلانش روشن می‌شود و هم تابع و متبوع از یکدیگر جدا خواهند بود از یکدیگر تبرّی می‌کنند. در سوره مبارکه «اعراف» لعن آنها هم مطرح است آیه ۳۸ سوره «اعراف» که ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا﴾ جهنمی‌ها وقتی وارد جهنم می‌شوند هر گروهی دیگری را لعن

می‌کند این به آن می‌گوید تو باعث شدی، آن به این می‌گوید تو سبب شدی اینها دوستان دنیایی‌اند که ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾^۱ این راجع به آیه ۲۵ که فرمود: ﴿يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾.

بررسی ادبی جزای احسن به مؤمنان در قیامت

اما درباره آیه هفت این سوره که فرمود: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ تاکنون چند بار این مضمون در بحث‌های قبل گذشت و در آینده هم ممکن است مطرح بشود عمده آن است که این کلمه ﴿أَحْسَنَ﴾ افعَل تفضیل است ولی افعَل تفضیل گاهی با اضافه استعمال می‌شود گاهی با «مِنْ» يك وقت می‌گوییم «أَفْضَلُ مِنْهُ» یا «مِنْهُمْ» این معنایش این است که برتر است و بهتر است يك وقت می‌گوییم «أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَذَا» یعنی بهترین پیامبر این عصر، بین «أَفْضَلُ مِنْهُمْ» با «أَفْضَلُهُمْ» خیلی فرق است وقتی گفته شد «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»^۲ یعنی بهترین عمل نه بهتر از دیگران، ممکن است این بهتر از دیگران با بهترین يك مصداق مشترك داشته باشند ولی وقتی گفتیم «أَفْضَلُ مِنْهُمْ» با «أَفْضَلُهُمْ» خیلی فرق می‌کند. در اینجا فرمود: ﴿أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ نه «أَحْسَنَ مِنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» آن طوری که معنا شد یعنی به بهترین اعمال آنها پاداش می‌دهیم و آن طوری که جناب زمخشری و هم‌فکرانشان معنا کردند این است که بهترین جزا را به آنها می‌دهیم^۳ آن هم ممکن است با این معنایی که ذکر شده نزدیک باشد ولی از نظر لفظ دور است اگر گفتیم ﴿وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ یعنی آنها را به بهترین کاری که کردند پاداش می‌دهیم نه اینکه آنها را به بهترین پاداش، پاداش می‌دهیم.

۱. سوره زخرف، آیه ۶۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱.

۳. الکشاف، ج ۳، ص ۴۴۱.

مطلب دیگر اینکه «أَحْسَنَ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» نیست چون اگر «أَحْسَنَ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» بود در سوره مبارکه «نور» دیگر نمی فرمود ما ﴿أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا﴾ پاداش می دهیم و اضافه می کنیم آیه ۳۸ سوره مبارکه «نور» این است که ﴿لِيُجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ﴾ یعنی اینها اگر صد عمل دارند چند عملشان جزء برجسته ترین اعمال آنهاست ما اعمال اینها را به حساب آن برجسته ترین محاسبه می کنیم به آنها پاداش می دهیم و اضافه هم می دهیم اگر «أَحْسَنَ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» بود دیگر اضافه معنا نداشت.

تصریح قرآن به رسالت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

مطلب بعدی در جریان حضرت ابراهیم (سلام الله علیه) قرآن کریم گاهی به عنوان ﴿أَرْسَلْنَا﴾ ذکر می کند گاهی به عنوان «رسل» ذکر می کند در سوره مبارکه «حدید» فرمود: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ این به منزله متن و اصل، در ضمن این اصل، فرمود: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ﴾ خب نوح می شود «مِنَ الْمُرْسَلِينَ» ابراهیم می شود «مِنَ الْمُرْسَلِينَ» اول فرمود: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا﴾ بعد به عنوان صغرای این کبر، مصداق این معنای جامع فرمود: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ﴾^۴ در سوره مبارکه «نساء» فرمود: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا * وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ﴾ همه اینها جزء مرسلین است ﴿وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ همه اینها را که گفتیم ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾^۵ اینها

۴. سوره حدید، آیات ۲۵ و ۲۶.

۵. سوره نساء، آیات ۱۶۳ - ۱۶۵.

تصریحی است که قرآن کریم درباره رسالت وجود مبارك حضرت ابراهیم دارد اما در جریان آیه‌ای که فعلاً محل بحث است فرمود این کاری که قوم لوط کردند این کاری است که هیچ کسی نکرده.

بیان مأموریت فرشتگان ملاقات‌کننده با حضرت ابراهیم (علیه السلام)

آیه ۳۱ این سوره این است که فرستاده‌های ما آمدند به ابراهیم خلیل (سلام الله علیه) بشارت بدهند که به او خدا فرزندی می‌دهد به نام اسماعیل و مثلاً بعدها این فرزند به چه صورت‌هایی در می‌آید و چه خدماتی می‌کند اینها برای این بشارت آمدند چون لوط زیرمجموعه ابراهیم (سلام الله علیهما) بود و قوم لوط به آن فجیعۀ مبتلا بودند اینها دو مأموریت داشتند یکی تبشیر نسبت به ابراهیم (سلام الله علیه) یکی انذار نسبت به قوم لوط. بخشی از این در آیات سوره مبارکه «هود» گذشت مقداری هم در سوره «شعراء» و «نمل» گذشت فرمود: ﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى﴾ اینها دو حرف زدند اول بشارت دادند به وجود مبارك ابراهیم (سلام الله علیه) که فرزندی پیدا خواهید کرد بعد انذار کردند نسبت به قوم لوط گفتند: ﴿إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ﴾ چرا، برای اینکه ﴿إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ﴾ اینها به انسانیّت، به دین، به شرف انسانیّت ستم کردند.

دو وجه مطرح در مراد حضرت ابراهیم (علیه السلام) از جمله ﴿إِنَّ فِيهَا لُوطًا﴾

حضرت ابراهیم (سلام الله علیه) فرمود در این قریه، لوط زندگی می‌کند غالب مفسرین نظرشان این است که شما که بخواهید قریه را ویران کنید خب لوط پیامبر در اینجا هست آیا نظرشان این بود که شما مواظب باشید به لوط آسیب نرسد یا راهی که سیدنا الاستاد (رضوان الله علیه) فرمودند که غرض ابراهیم (سلام الله علیه) این است که شما به احترام لوط کاری به اینها نداشته باشید اینها را بگذارید به عذاب قیامت اینها را عذاب کنید ویران کنید این محل را به صورت تلّی از خاک در بیاورید این کار را نکنید به برکت لوط و احترام لوط به اینها آسیب نرسانید^۶ آیا

منظور وجود مبارك ابراهيم آن بود يعنى در اين محل لوط زندگى مى‌کند شما اگر بخواهيد اين محل را زيور و کنيد لوط آسيب مى‌بيند آنها مى‌گويند نه، ما مواظبينم که به لوط آسيب نرسد يا نه، منظور ابراهيم (سلام الله عليه) آن است که چون لوط در اين محل زندگى مى‌کند به برکت لوط اين محل را آسيب نرسانيد اين زکريا بن آدم که در شيخان مدفون است به امام هشتم عرض کرد که براى من زندگى در اين شهر خيلى آسان نيست اجازه مى‌دهيد من از قم بروم بيرون؟ پاسخى که وجود مبارك امام رضا (سلام الله عليه) به زکريا بن آدم که در شيخان دفن است داد اين است که نه، تو در قم باش خدا به برکت تو عذاب را از اين منطقه بر مى‌دارد همان طورى که به برکت قبر پدرم موسى بن جعفر (سلام الله عليهما) عذاب را از آن منطقه بر مى‌دارد^۷ اين قبر يك روحانى وفادار به ولايت است. وجود مبارك امام رضا فرمود به احترام تو عذاب برداشته مى‌شود همان طورى که به احترام قبر پدرم عذاب برداشته مى‌شود يعنى وجود تو به منزله قبر پدر من است حالا ابراهيم (سلام الله عليه) مى‌خواهد بگويد که به برکت لوط شما شهر را زيور و نکنيد حالا بگذاريد به عذاب قيامت اينها معذب بشوند آيا منظور حضرت ابراهيم آن بود يا اين. سيدنا الاستاد مى‌فرمايند به قرينه آيات سوره مبارکه «هود» منظور حضرت ابراهيم شفاعت بود.

کيفيت مهمانى فرشتگان با حضرت ابراهيم (عليه السلام) و همسرش

در سوره مبارکه «هود» به اين صورت است آيه ۶۹ به بعد سوره «هود» ﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيْمَ بِالْبَشْرٰى قَالُوْا سَلٰمًا قَالَ سَلٰمٌ فَمَا لَبِثَ اَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِئٍ﴾ يعنى طولى نکشيد که وجود مبارك ابراهيم خليل آن گوساله‌اى را بريان کرده براى مهمانان آورد که برخى‌ها در ذيل اين استفاده کردند که ادب ضيافت و پذيرايى اين است که غذا را ببرند نزد مهمان نه مهمان را ببرند نزد غذا (که فعلاً اين طور رسم است) ابراهيم خليل (سلام الله عليه) امکاناتى داشت همين گوساله‌اى را که بريان کرده و در آنجا آماده کرده ممکن بود در اتاق ديگر آماده بکند و

مهمان‌ها را نزد غذا ببرد که رسم کنونی این است ولی این چنین نکرد غذا را نزد مهمان آورد که ﴿فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ﴾^۸ نه «قَرَّبَهُم إِلَيْهِ» غذا را نزد مهمان برد نه مهمان را نزد غذا که آن هم در بخش‌های دیگر قرآن کریم است وقتی که غذا را آورد دید که اینها غذا بخور نیستند ﴿فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ﴾ یعنی دست‌های این فرشته‌ها که ﴿لَا تَصِلُ إِلَيْهِ﴾ به این غذا، آن وقت احساس کرد که پس شما چه کسی هستید؟ ﴿وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً﴾.

﴿قَالُوا لَا تَخَفْ﴾ ما فرستادگان خداییم آن که ذاتاً عالم است ذات اقدس الهی است اینها لحظه به لحظه با الهام الهی، با وحی الهی، با گفتار فرشته‌ها عالم می‌شوند ﴿قَالُوا لَا تَخَفْ﴾ برای اینکه ما مأموریتی داریم هم آن بشارت را و هم این انداز را ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ﴾ در این حال همسر وجود مبارک ابراهیم (سلام الله علیه) ایستاده بود ﴿وَأَمْرَأَتُهُ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ﴾ همسرش ایستاده بود او هم لبخند زد ما به حضرت ابراهیم گفتیم تو فرزند پیدا می‌کنی، نوه پیدا می‌کنی و اینها، همسرش که ایستاده بود ﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ که بخشش در آن سوره گذشت ﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾.

ظهور محدودیت شفاعت در مجادله حضرت ابراهیم (علیه السلام) با فرشتگان

این صحنه که گذشت ﴿فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى﴾ این قصه بُشرا تمام شد به حضرت ابراهیم گفتیم تو پدر می‌شوی نوه پیدا می‌کنی اسحاق فرزند توست، یعقوب نوه توست این صحنه که گذشت ﴿يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ﴾ حالا دارد با ما مجادله می‌کند که شما آمدید می‌خواهید آن منطقه را زیرو رو کنید اینها بالأخره بشرنده به قیامت واگذار کنید ﴿يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ﴾ چرا؟ برای اینکه ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾ این سه خصلت را دارد ولی ما گفتیم ﴿يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا﴾ حلم، حسابی دارد صبر هم حسابی دارد شکیبایی هم حسابی دارد

﴿يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ﴾ این معلوم می‌شود که شفاعت انبیا (علیهم السلام) هم بر اساس ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾^۹ است، اینجا وجود مبارك ابراهيم مآذون نبود شفاعت کند يعنى به او اذن ندادند فرمود عذاب، قطعى است اينها ديگر حق حیات ندارند ﴿قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ﴾ و عذاب قطعى شد. سيدناالاستاد به شهادت اين بخش از آيات سوره مباركه «هود» مى‌فرمايد آنچه در سوره «عنكبوت» هست و وجود مبارك ابراهيم مى‌گويد: ﴿إِنَّ فِيهَا لُوطًا﴾ يعنى به احترام لوط عذاب را از اين منطقه برداريد نه اينكه مواظب باشيد به لوط آسیب نرسد.

سرنگرانی حضرت لوط (عليه السلام) هنگام مشاهده فرشتگان

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا﴾ حالا وقتى كه از محضر وجود مبارك ابراهيم فاصله گرفتند به حضور لوط رسيدند قصه فرشته‌ها و لوط و قوم لوط مطرح است وقتى اينها با چهره‌هاى زيبا و جمال فرشتگى در آمدند و وجود مبارك لوط اينها را ديد ﴿سَيِّئَ بِهِمْ﴾ خيلى به او بد گذشت ﴿سَيِّئَ﴾ فعل مجهول است نايب فاعلش لوط (سلام الله عليه) است به وسيله آمدن آنها به او خيلى سخت گذشت (يك) بعد اينها مهمانان لوط‌اند چگونه لوط از اينها پذيرايى كند ﴿وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا﴾ (دو) ما در ادبيات فارسى مى‌گويم فلان شخص دستش باز است عرب مى‌گويد اين رحب الذراع است يا مى‌گويم فلان شخص دستش بسته است عرب مى‌گويد ضيق الذراع است يعنى دستش بسته است ﴿ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا﴾ يعنى براى پذيرايى آماده نبود جريان حضرت ابراهيم نبود كه آن قدرت را داشته باشد ﴿جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيدٍ﴾ باشد. بنابر اين اين ﴿سَيِّئَ بِهِمْ﴾ اين ﴿سَيِّئَ﴾ فعل مجهول است و نايب فاعل آن وجود مبارك لوط است - حالا برخى‌ها احتمال مى‌دادند كه خود ﴿سَيِّئَ بِهِمْ﴾ نايب فاعل باشد^{۱۰} - يعنى به وسيله اينها به حضرت لوط خيلى سخت گذشت و براى پذيرايى اينها هم دستش باز نبود اگر دست انسانى باز باشد امكانات

۹. سوره بقره، آيه ۲۵۵.

۱۰. رك: مجمع البيان، ج ۸، ص ۴۴۲.

داشته باشد می‌گویند رَحْبُ الذَّرَاعِ، اگر بسته باشد می‌گویند ضِيقُ الذَّرَاعِ ما هم در ادبیات فارسی می‌گوییم دست فلان کس باز است دست فلان شخص بسته است ﴿سَيِّءَ بِيَهُمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا﴾ این در سوره مبارکه «هود» بود.

نجات حضرت لوط (علیه السلام) و عذاب قوم ایشان

اما در اینجا هم وقتی ابراهیم (سلام الله علیه) دید مهمانان آمدند ﴿قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا﴾ ابراهیم (سلام الله علیه) فرمود در این قریه لوط است منظورش همان ﴿يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ﴾ بود ﴿قَالُوا﴾ آنها گفتند ﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا﴾ اگر بنا شد به احترام لوط، اهل آن محل نجات پیدا کنند به ما می‌گفتند، خدا عالم بود به ما گفت ما هم عالمیم در اینجا لوط زندگی می‌کند ما هم احترام لوط را حفظ می‌کنیم هم این محل را ویران می‌کنیم احترام لوط به این حفظ می‌شود که ما به او می‌گوییم شما و اهلتان به استثنای آن همسر این محل را ترك کنید وقتی این محل را ترك کردند ما این محل را ویران می‌کنیم ﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا﴾ راه را به ما گفتند که چگونه لوط را و اهلش را نجات بدهیم بعد محل را ویران کنیم ﴿لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ یعنی جزء مانده‌ها هستند ﴿وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئًا﴾ لوط ﴿بِيَهُمْ﴾، ﴿وَضَاقَ﴾ لوط ﴿بِيَهُمْ ذَرْعًا﴾ دستش بسته بود که از این مهمانان محترم چگونه پذیرایی کند بر خلاف حضرت ابراهیم که ﴿جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيزٍ﴾ آنها گفتند: ﴿لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ﴾ نه خوف داشته باش نسبت به آینده نه حزن داشته باش نسبت به اینکه چیزی از دست دادی ما تو را و اهل تو را به استثنای همسرت نجات می‌دهیم این می‌ماند شما از این محل بیرون می‌روید بعد ما این محل را ویران می‌کنیم ﴿إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ * ﴿إِنَّا مُنْزِلُونَ﴾ این به صورت جمله اسمیه با تأکید ﴿إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ﴾ يك عذاب، يك پلیدی از آسمان نازل می‌کنیم در اثر اینکه فسق ورزیدند ﴿بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾.

بشارت ایمنی مؤمنان از اثرات مخرب عذاب معجزه‌گونه الهی

پرسش: در بعضی روایات هست که بهلول نباش وقتی کنار پیغمبر آمد حضرت فرمود از من دور شو که عذاب من را نگیرد^{۱۱} احتمال دارد که این ترس حضرت ابراهیم برای حضرت لوط برای این بود که مبادا عذاب او را بگیرد؟

پاسخ: نه، معجزات الهی يك وقت است يك امر عادی است آن امر عادی ممکن است که به همه آسیب برساند اما عذاب الهی که معجزه است می‌بینید کاملاً بین مؤمن و کافر فرق می‌گذارد در جریان همین رود نیل بود که وقتی پیروان حضرت موسی آب می‌نوشیدند آب بود آنها می‌خواستند آب بنوشند خون بود این وقتی معجزه باشد فرق می‌گذارد البته اگر حادثه عادی باشد ممکن است که افراد آسیب ببینند آن هم آزمون الهی است ولی معجزه که باشد کاملاً فرق می‌گذارند.

آسیب‌های جدایی دین و علم

پرسش: این ﴿سَيِّءٌ بِهِمْ﴾ از نظر کیفی نتوانست مهمانی کند یا...؟

پاسخ: نه آن ﴿سَيِّءٌ بِهِمْ﴾ برای اینکه این جوان‌های فرشته‌منش آمدند اینها هم که ﴿يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ﴾.

عبرت‌آموزی عذاب قوم لوط بر آیندگان

در اینجا فرمود: ﴿إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ بعد فرمود طولی نکشید که ما این قریه را زیرورو کردیم و اگر کسی آثار باستانی را می‌شناسد میراث فرهنگی‌شناس باشد راهش را ما نشان می‌دهیم ﴿وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا﴾ از آن قریه ﴿آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ يك آدم‌های بفهم، يك آدم‌های میراث فرهنگی‌شناس، يك آدم و سیمه‌شناس، يك آدم سیمه‌شناس، يك آدم سیماشناس اینها می‌توانند کند و کاو بکنند که چه

کسی اینجا دفن شده. عاقل غیر از آن مؤمن است مؤمن خدا را قبول دارد پیغمبر را امام را اما حالا بفهمد يك تگه سفال برای چند قرن قبل است که متوجه نمی شود در سوره مبارکه «حجر» این بحث مبسوطاً گذشت فرمود شما که از مکه به طرف شام می روید این سر راهتان است این راهها دو قسم است آن اتوبان به اصطلاح بزرگراه را عرب می گوید امام که اگر کسی وارد این راه شد به مقصد می رسد دیگر لازم نیست از این و آن سؤال بکند اتوبان، بزرگراه آدم را به مقصد می رساند این را عرب می گویند امام، هر راهی را نمی گوید امام از مکه به شام امامی داشت بزرگراه داشت که قافله از آنجا می رفتند کسی وارد آن راه می شد مستقیماً به شام می رسید یا از شام حرکت می کرد مستقیماً به مکه می رسید يك راههای فرعی هم دو طرفش دارد فرمود ما این قریه ها را که ویران کردیم دو محل بود ﴿إِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ یعنی بر اتوبان است اگر و سَمَه شناس باشید متوسّم باشید آثار فرهنگی بشناسید میراث فرهنگی بشناسید تشخیص می دهید اینجا برای کدام قرن است فرمود: ﴿فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ﴾^{۱۲} این بر اتوبان است منتها شما باید متوسّم باشید اگر مسئله آیت و معجزه و اینها باشد آن را مفرد آورده فرمود برای مؤمنین این معجزه است ﴿لَايَةً لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^{۱۳} اما برای متوسّم، متوسّم از وَسْمَة است وَسْمَة یعنی علامت، موسوم یعنی علامت دار سَمَه اصل آن وَسْم بود سیما به معنی صورت نیست سیما به معنی علامت است فرمود اگر کسی سیماشناس باشد سَمَه شناس باشد موسوم شناس باشد که از او به عنوان متوسّم یاد می کنند این می فهمد میراث فرهنگی اینجا چیست چه قومی اینجا بودند ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾^{۱۴} خب ما این کار را کردیم بر اتوبان هم است نزدیک جاده عمومی است بروید تحقیق کنید ﴿إِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ یعنی بر اتوبان است بر بزرگراه است اینجا هم فرمود ما آیه بین و علامت روشن گذاشتیم ﴿وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ اگر کسی دانشمند

۱۲. سوره حجر، آیه ۷۹.

۱۳. سوره حجر، آیه ۷۷.

۱۴. سوره حجر، آیه ۷۵.

باشد فرهیخته باشد میراث فرهنگی شناس باشد می تواند بفهمد پس آنچه در سوره مبارکه «حجر» است آنچه در سوره مبارکه «عنکبوت» است ناظر به این است که این اقوام هر قدرتی که داشتند آثار آنها، ظروف آنها الآن زیر خاک است اگر کسی زیر خاک شناس باشد می تواند بررسی کند.

«و الحمد لله ربّ العالمین»